

خانات کریمه؛ هم‌پیمانان عثمانی در تصرف قفقاز (۹۹۵-)

*(۹۸۶ ق)

حسین زرینی^۱

چکیده

سیاست‌های توسعه‌طلبانه عثمانی در دوره سلطان مراد سوم، پای خانات کریمه را - با همه بُعد مسافت - به عنوان متحدان عثمانی، به تحولات تاریخ سیاسی ایران در دوره صفویه باز کرد. ضعف اقتدار مرکزی ایران در دوره حکومت سلطان محمد خدابنده موجب شد تا با مساعدت خانات کریمه، نتیجه نبردهای عثمانی و ایران بر سر شروان به نفع عثمانیان خاتمه یابد. خانات کریمه دو اسیر ارزشمند (برادران خان کریمه) به ایرانیان تسلیم کردند. از این دو یکی در دربار کشته و دیگری پس از مدتی زندگی در دربار و حبس در قلعه الموت موفق به فرار از ایران و پیوستن مجدد به عثمانیان شد. تاثیر حضور و نحوه رفتار دربار ایران با این دو اسیر در کنار عملیات نظامی آنان در قلمرو ایران موجب پر رنگ شدن نقش خانات کریمه در تاریخ ایران شده است. اقدامات خانات کریمه هر چند برای خود آنان جز غنائم جنگی دستاورد چندانی نداشت، اما در جدایی مقطعی قفقاز از ایران و تصرف بیست‌ساله آن توسط عثمانی‌ها تأثیر گذار بود. علیرغم اهمیت موضوع هنوز پژوهشی در این باره در ایران صورت نگرفته است. واژگان کلیدی: خانات کریمه، عثمانیان، صفویان، قفقاز، شروان.

Crimean Khanate; Ottoman Allies in the Possession of Caucasus (1578-1587)

Hossein zarrini²

Abstract

Despite all the distances involved, Ottoman expansionist policies in the Sultan Murad III era opened the way for Crimean khanate (as Ottoman allies) into the transitions in the political history of Iran in the Safavid era. Inadequacy of Iran's central authority during the reign of Sultan Mohammad Khodabandeh made the battles between Iran and Ottoman Empire over Sharwan to end, through the help that came from Crimean khanat, with the victory of Ottomans. Crimean khanate surrendered two valuable captives (Crimean Khan Brothers) to Iranians, one of whom was killed in the court and the other, after a period of time spent there and a spell of imprisonment in the Alamut Castle, managed to flee from Iran and to rejoin Ottomans once more. The effect of the presence of these two captives at the court of Iran and they way they were treated there as well as their militaristic manoeuvres in Iran's territories has highlighted the role of Crimean khanate in the history of Iran. Although the measures Crimean khanate took, had no significance for them except the spoils of war, it was most influential in the separation of Caucasus from Iran and its 20 year capture by the Ottomans. Yet, despite all its significance, the issue has been left unexplored, hence the purpose of the present study.

Key words: Crimean Khanate, Ottomans, The Safavids, Caucasus, Sharwan.

مقدمه

نقش خانات کریمه در تحولات ایران عصر صفوی را بیش از هر چیز باید با سیاست‌ها و منافع امپراتوری عثمانی مرتبط دانست. ظهور دولت شیعی مذهب صفویه در کنار مرزهای شرقی عثمانی از همان ابتدا با واکنش منفی عثمانیان اهل سنت مواجه شد. جنگ چالدران در ۹۲۰ قمری (۱۵۱۴م) تنها ۱۳ سال پس از روی کار آمدن صفویان و سه بار لشگرکشی سلطان سلیمان قانونی به ایران در سال‌های ۹۴۰، ۹۵۵ و ۹۶۱ قمری (۱۵۳۴، ۱۵۴۸ و ۱۵۵۴م) در دوره شاه تهماسب صفوی عمده‌ترین نمودهای ناراضی‌های عثمانیان از برآمدن صفویان شیعی بود. انعقاد پیمان صلح آماسیه بین ایران صفوی و حکومت عثمانی در سال ۹۶۲ قمری (۱۵۵۵م) را می‌توان به نوعی تن دادن عثمانیان به موجودیت حکومتی با مذهب متفاوت با بقیه جهان اسلام در همسایگی خود تلقی کرد. با این حال دیری نپایید که در آشفتگی‌های پس از مرگ شاه تهماسب اول، جانشینی اسماعیل دوم و در نهایت روی کار آمدن پادشاه بی‌کفایتی چون سلطان محمد خدابنده، سلطان مراد سوم عثمانی با زیر پا نهادن مفاد صلح نامه از سال ۹۸۶ قمری (۱۵۷۸م) به بعد اقدام به تسخیر نواحی غربی ایران به ویژه در منطقه قفقاز کرد. در این برهه و چنین شرایطی بود که حکومت عثمانی علاوه بر ارتش مقتدر خود، از نیروی جنگاور خانات کریمه هم برای تسلط بر قفقاز بهره‌برداری کرد.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی اوضاع سیاسی قفقاز شمالی که زمینه‌ساز استفاده از نیروی خانات کریمه در معادلات قدرت بین ایران و عثمانی شد، به نقش این نیرو در نبردهای عثمانی و ایران در دوره سلطان محمد خدابنده (۹۹۵ - ۹۸۵ ق / ۱۵۸۷ - ۱۵۷۷م) که به صورت خاص منطقه شروان عرصه دفاع ایرانیان از خاک خود در مقابل تجاوزات عثمانی بود، پرداخته شود. رقابت‌های بین حکومت عثمانی و دولت روسیه بر سر قلمرو خانات کریمه که بعداً به جنگ‌های کریمه بین این دو دولت منتهی شد، در این دوره به خاطر آن که روسیه هنوز سیاست‌های توسعه‌طلبی خود را آن سان که از دوره پتر اول (۱۱۳۷ - ۱۱۰۰ ق / ۱۷۲۵ - ۱۶۸۹م) به بعد پیگیری شد، آغاز نکرده بود، در این تحقیق بررسی نشده است. هر چند نمی‌توان تردید کرد که همین‌گونه اقدامات عثمانی که در این مقاله مورد توجه بوده است، نقش پررنگی در باز شدن پای روس‌ها به منطقه و تصرف نهایی قفقاز توسط آنها ایفا کرده است. موضوع این مقاله علی‌رغم اهمیتی که در مطالعات صفویه‌شناسی، قفقاز‌شناسی، روابط ایران و عثمانی و روابط ایران و خانات کریمه دارد، تا کنون مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است.

نزدیک شدن روس‌ها به مرزهای ایران

سابقه حضور روس‌ها در قفقاز (ایران) به جز چند حمله کور و بدون برنامه که بیشتر برای غارت در قرون اولیه اسلامی صورت پذیرفت،^۳ به قرن دهم قمری (شانزدهم میلادی) برمی‌گردد. در آن روزگار مناطق شمال کوه‌های بزرگ قفقاز که امروزه به عنوان قفقاز شمالی شناخته می‌شوند، در دست اعقاب چنگیز خان بود. این شاخه از فرزندان چنگیز که اولاد جوچی پسر بزرگ او محسوب می‌شدند، در اوج قدرت خود تا مسکو را گرفته و مرزهای اروپا را هم تهدید می‌کردند.^۴ آنان که با نام‌های اردوی زرین، اردوی طلایی، خانات دشت قباچاق و... معروف شده‌اند، ضمن تعامل با قبایل بومی محل و به اطاعت درآوردن آنها، برای چند سده به قدرت اول منطقه تبدیل شدند. تا پیش از برآمدن صفویه آنان با حملات مکرر خود به قفقاز جنوبی حکومت‌های ایلخانیان، تیموریان و جانشینان آنها را که حاکمان ایران محسوب می‌شدند، به ستوه آورده بودند. آنچه صفویه را از این تهدید دائم - که مدت‌ها وقت و نیروی پادشاه مقتدری چون تیمور گورکانی را به خود اختصاص داده بود^۵ - نجات داد، دخالت روس‌ها در امور منطقه بود.^۶

ایوان سوم یا کبیر (۹۱۱ - ۸۶۸ ق / ۱۵۰۵ - ۱۴۶۲ م) ضمن اتحاد باخان کریمه و غازان که با اردوی زرین اختلاف داشتند و ارسال افرادی برای جلب حمایت اوزون حسن آق‌قویونلو توانست قدرت اردوی زرین را تا حدی محدود نماید.^۷ اما 'منگلی گرای خان'^۸ حاکم کریمه در سال ۹۰۸ قمری (۱۵۰۲ م) با استفاده از ضعف داخلی اردوی زرین به شهر سرای پایتخت آنها حمله برد و ضمن ویران کردن آن، نقطه پایانی بر حیات اردوی زرین نهاد.^۹ پس از آن عمده قلمروی اردوی

۳. محمدعلی جمال‌زاده، تاریخ روابط روس و ایران (تهران: سخن، ۱۳۸۳)، ص ۴۶ - ۳۲.

۴. ن. بریان‌شانینوف، تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتبر، ترجمه خانابا بیانی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳)، ص ۳۴.

۵. حملات تیمور قدرت خانات قباچاق را تا حد زیادیه تحلیل برد و همین موجب شد تا در سالیان بعد زمینه برای از بین بردن کامل آنها به نفع تزارهای روس فراهم آید.

۶. اثر زیر به موضوع نزدیکی روس‌ها به مرزهای دنیای اسلام پرداخته است:

Marie BenningsenBroxup (ed.), *North Caucasus barrier. the Russian advance towards the Muslim world* (London: C. Hurst & Company, 1992).

۷. رنه گروسه، امپراتوری صحرائوردان، ترجمه عبدالحسین میکده (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۷۷۵؛ بریان‌شانینوف،

ص ۶۲

۸. تاریخ مذکور درست یکسال بعد از روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی بود. بنابراین شاهان صفوی دغدغه حملات اردوی

زرین را نداشتند، اما کمی بعد دشمنی در نزدیک مرزهای آنان ظاهر شد (روس‌ها) که به مراتب از اردوی زرین خطرناک‌تر بود.

زرین بین خانات کریمه، غازان و هشتراخان (آستراخان) که همه پیش‌تر وابستگان اردوی زرین محسوب می‌شدند، تقسیم شد.^۹ از این سه خان‌نشین به جز خان‌نشین کریمه که قلمرو آن در شمال دریای سیاه قرار داشت، دو خان‌نشین دیگر در کنار مرزهای شمالی ایران و در آن سوی دربند و کوه‌های بزرگ قفقاز واقع بودند.

تقسیم اردوی زرین به سه خان‌نشین کوچک‌تر زمینه را برای تسلط روس‌ها بر آنها فراهم ساخت. هم‌زمان با افول اردوی زرین، روس‌ها که پا در دوران زرین تاریخ خود نهاده بودند، روز به روز بر انسجام و وحدت خود افزودند.^{۱۰} به همین خاطر اندک اندک سلطه روس‌ها بر آنها گسترده‌تر شده و در نهایت با اختلافات داخلی بین خانات که به ضعف بیشتر آنها انجامید، ایوان چهارم معروف به مخوف (۹۶۵-۹۳۹ق/۱۵۵۸-۱۵۳۳م) بر آن شد تا به حیات آنان خاتمه دهد. ابتدا خان‌نشین غازان که دچار آشفتگی بیشتری بود، مد نظر قرار گرفت.

ایوان مخوف در ۹۵۹ قمری (۱۵۵۲م) با توپخانه‌ای نیرومند شهر غازان را محاصره و تسخیر کرد.^{۱۱} دو سال بعد، وی لشکری برای تسخیر آستراخان فرستاد. آنها شهر را تصرف و حاکمی دست‌نشانده از خاندان مغول در آنجا منصوب کردند. کمی بعد همین حاکم را نیز تحمل نکرده و با بیرون راندن وی از شهر، آستراخان را هم به روسیه محلق کردند.^{۱۲}

اسلحه بران ایوان چهارم برای تسلط بر غازان و آستراخان علاوه بر توپخانه وارثش کارآمد خود، قزاق‌های بیابانگرد مسیحی بودند^{۱۳} که از مدتی پیش در نزدیکی قبایل مسلمان منطقه سکنی یافته بودند.^{۱۴} این افراد پیش‌قراول تهاجم روس‌ها به سمت غازان و آستراخان و نزدیکی به مرزهای ایران محسوب شده‌اند.^{۱۵} تزار با تصرف آستراخان (هشتراخان) در حاشیه دریای خزر علاوه بر بسط نفوذ خود تا کنار مرزهای ایران بندر مناسبی جهت تجارت دریایی با نقاط دیگر

۹. گروسه، ص ۷۷۶.

۱۰. برای اطلاعات بیشتر نک: میشل دو سن پیر، سرگذشت خاندان رمانف (تاریخ روسیه از سال ۱۵۴۷ میلادی تا انقلاب و سقوط تزارها)، ج ۱ (صعود)، ترجمه محمد علی معیری (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۶)، ص ۲۲.

۱۱. همان، ص ۷۸۱؛ بریان‌شانینوف، ص ۷۵.

۱۲. گروسه، ص ۷۸۳.

۱۳. این قزاق‌ها را نباید با قبایلی که با همین نام در نواحی شرقی دریای خزر زندگی می‌کردند، اشتباه گرفت.

14. John F. Baddeley. *The Russian Conquest of the Caucasus* (London: Longman, 1908), pp. 3-4.

۱۵. این افراد در دوره ایوان سوم به همراه خانواده و احشامشان به کناره‌های رود ولگا تبعید شده بودند. آنها بعداً تا کناره‌های رود تریک و کوبان در شرق پیش‌تاختند. قزاق‌ها در دوره ایوان چهارم خواهان بخشش شدند و برای اینکار به همکاری با او برای تسخیر قفقاز شمالی پرداختند؛ Ibid. p. ۷.

کنار دریای خزر به دست آورد.^{۱۶}

جایگاه خانات کریمه در تحولات قفقاز شمالی

خانات کریمه آن قدر بختیار بودند تا چون خانات غازان و آستراخان توسط ایوان چهارم منقرض نشوند. آنان تا حدود دو سده بعد زیر نظر عثمانی، قدرت اصلی منطقه کریمه و قسمت‌هایی از قفقاز شمالی محسوب می‌شدند و به عنوان جانشین و میراث‌خوار اردوی زرین و دولت حائل^{۱۷} بین روسیه و عثمانی نقش ارزنده‌ای در تحولات منطقه و سیاست‌های عثمانی ایفا نمودند.^{۱۸} دولت حائل خانات کریمه از همان بدو قدرت‌یابی عثمانیان در دوره سلطنت محمد فاتح و اشغال کریمه توسط آنان (۸۸۰ق/۱۴۷۵ م) ضمن قبول تابعیت سلطان، به یکی از متحدان باب عالی تبدیل شد.^{۱۹} از آن پس خان‌های کریمه و اتباع آنها با قدرت جنگاوری بالای خود که از احفاد چنگیزخان به ارث برده بودند، در جبهه‌های نبرد عثمانیان علیه اروپا، روسیه و ایران منشاء خدمات ارزنده‌ای برای دربار عثمانی شدند.^{۲۰} البته این به معنای آن نیست که در ارتباط بین این دو همواره اوضاع بر وفق مراد عثمانیان بوده است. در خلال مطالب منابع می‌توان شواهدی ارائه داد که گاه همین دولت فرودست موی دماغ اربابان فرادست خود شده است،^{۲۱} اما در نهایت این روسیه بود که پس از پیروزی بر عثمانی در پی جنگ‌های کریمه برای همیشه کریمه را از چنگ عثمانیان به‌درآورد و به خاک خود ملحق کرد.

۱۶. لارنس لکهارت، *انقرض سلسله صفویه و ایام استیلائی افغانه در ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد (تهران: مروارید، ۱۳۶۸)، ص ۶۳؛ دلاواله در سفرنامه خود آورده است که وی درصدد بوده تا برای ضربه زدن به عثمانی ایران را با قزاق‌های ساحل دریای سیاه متحد کند. نک: پیتر دلاواله، *سفرنامه پیتر دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه شجاع‌الدین شفا (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۱۵۳-۱۵۲.

17. buffer state

18. C. M. Kortepeter, «GaziGiray II, Khan of the Crimea and Ottoman Policy in Eastern Europe and the Caucasus (1588-94)», *The Slavonic and East European Review*, Vol. 44, No102 (Jan1966), P. 140.

19. Lawrence. N. langer, *Historical Dictionary of Medieval Russia* (Maryland: scarecrow, 2002), p. 35.

۲۰. اسماعیل حقی اوزون‌چارشی‌لی، *تاریخ عثمانی*، ج ۲، ترجمه ایرج نوبخت (تهران: کیهان، ۱۳۶۹)، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.

۲۱. مرادگری از خانات کریمه در پی اختلاف با عثمانیان به مسکو پناهنده شد و به عنوان دست‌نشانده تزار به حکومت آستراخان رسید؛ Kortepeter, p. 144؛ در سال ۹۹۱ قمری محمدگری خان حاکم کریمه علیه عثمانیان عصیان کرد. او مانع از حرکت عثمان پاشا که از دربند راهی استانبول بود، شد. حکومت عثمانی برای دفع او اسلام‌گری خان را که در قونیه به سر می‌برد با فرمان حکومت منطقه در راس لشگری به کریمه فرستاد. آنان با کشتن محمدگری خان و جانشین کردن اسلام‌گری خان موفق به فرو نشاندن شورش شدند؛ مصطفی افندی سلانیکلی، *تاریخ سلانیکلی (۱۰۰۸-۹۷۱ ه. ق)*، ترجمه از ترکی عثمانی حسین بن علی، تصحیح و ترجمه نصرالله صالحی (تهران: طهوری، ۱۳۸۹)، ص ۲۵۹-۲۵۷.

عثمانیان و خانات کریمه در قفقاز

با روی کار آمدن حکومت صفویه در ایران در کنار انگیزه‌های توسعه‌طلبانه سیاسی، اختلاف مذهبی بین شیعیان و اهل سنت به دستاویز عمده‌ای برای جنگ‌های طولانی مدت عثمانیان با صفویه تبدیل شد. این جنگ‌ها از همان اوایل دوره صفویه با جنگ چالدران آغاز و در دوره شاه تهماسب از سوی سلطان سلیمان قانونی پیگیری شد. نظر به این که این نوشتار هدف دیگری را دنبال می‌کند، از اشاره به این نبردها خودداری و به بررسی مناسبات بین ایران و عثمانی در دوره سلطان محمد خدابنده و در منطقه قفقاز با تمرکز بر نقش خانات کریمه اکتفا خواهد شد.

الف) آسفتگی سیاسی ایران و قفقاز بی مدافع

حکومت منطقه شروان از قرون اولیه اسلامی در اختیار خاندان شروانشاهان بود. آنان دربار کوچک‌تری نسبت به حکومت‌های مرکزی ایران برای خود شکل داده و با قبول تابعیت و پرداخت خراج به حکام ایرانی‌در ادوار مختلف تاریخی به حیات خود ادامه داده بودند.^{۲۲} شروان‌شاهان که حضور مقتدرانه سلجوقیان، مغولان، تیموریان و حتی شاه اسماعیل صفوی را از سر گذرانده بودند، در دوره شاه تهماسب صفوی (۹۴۵ق/۱۵۳۹م) برای همیشه با تاج و تخت شروان‌شاهی وداع کردند. اقدام شاه تهماسب در برانداختن خاندان ریشه‌دار شروان‌شاهان را می‌توان از جمله اشتباهات سیاسی او قلمداد کرد.

همان طور که خانات کریمه دولت حائل عثمانی در برابر روس‌ها و دیگر اقوام قفقاز شمالی به شمار می‌رفتند، شروانشاهان برای قرون متمادی دولت حائل ایران در برابر حملات قبایل بدوی آن سوی دربند و حتی گرجیان نامسلمان محسوب می‌شدند. با برانداختن این سلسله نه تنها منطقه بدون محافظ ماند و زمینه برای نفوذ از منطقه دربند به داخل ایران فراهم شد، بلکه بحث اعمال حاکمیت و نگهداشت شروان به یکی از دغدغه‌های عمده دربار صفوی تبدیل شد. القاص میرزا برادر شاه که حکومت منطقه شروان به او سپرده شده بود، اندکی بعد طغیان کرد و با پناهنده شدن به دربار عثمانی مشکلات بسیاری برای برادر خود پدید آورد. حکومت منطقه پس از آن در اختیار اسماعیل دوم فرزند شاه و سپس ارس‌خان روملو به عنوان بیگلربیگی شروان قرار گرفت که البته نمی‌توانست جای شروانشاهان را پر کند. ارس‌خان از توان لازم برای مقابله با لشکر مهاجم

۲۲. برای آگاهی بیشتر در مورد شروانشاهان نک: رحیم رئیس‌نیا، تاریخ عمومی منطقه شروان در عهد شروانشاهیان (تهران:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰).

برخوردار نبود. به همین لشگر عثمانی از سمت غرب به منطقه وارد شد. آنان گرجستان را بدون دشواری چندانی تسخیر کردند. پس از آن به سمت شروان تاختند و بدون مقاومت سازمان‌یافته‌ای از سوی ایرانیان این قسمت را هم تسخیر کردند. سد راه عثمانیان در تسخیر شروان نه سپاه صفوی بلکه موانع طبیعی همانند رود کر بود که هنگام عبور از آن تلفات سنگینی بر عثمانیان وارد شد.^{۲۳} از سوی دیگر بازماندگان شروانشاهان با مرگ تهماسب در صدد بازپس‌گیری قلمرو اجدادی خود برآمدند. آنان در دعوت از عثمانیان برای تسلط بر شروان نقش پراهمیتی داشتند.^{۲۴} در این برهه با فرارسیدن لشگر خانات کریمه به داغستان، ابوبکر میرزا فرزند برهان میرزا از اعقاب شروانشاهان نیز با نیروهای خود به آنان پیوست.^{۲۵} گروه اخیر نیز بدون آن که مانعی در پیش‌رو داشته باشند از سمت شمال به منطقه شروان وارد شده و به کمک عثمانیان شتافتند.



۲۳. ابوبکر بن عبدالله، تاریخ عثمان پاشا، به کوشش یونس زبرک، ترجمه نصرالله صالحی (تهران: طهوری، ۱۳۸۷)، ص ۵۹.
۲۴. مؤلف خلاصه التواریخ از نامه‌ای یاد کرده است که ابوبکر میرزا فرزند برهان میرزا وارث‌ملک شروان به پاشایان عثمانی نوشته و آنها را دعوت به تصرف ملک اجدادی خود کرده است. قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج ۲، تصحیح احسان اشراقی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳)، ص ۶۷۷.
۲۵. محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای نطنزی، نقاوه‌الآثار فی الذکر الاخیار در تاریخ صفویه، به اهتمام احسان اشراقی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳)، ص ۹۳؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، به اهتمام ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷)، ص ۲۳۶.

ب) یورش عثمانیان و خانات کریمه به قفقاز

مرگ شاه تهماسب اول در سال ۹۸۴ قمری (۱۵۷۶م) موجب پدید آمدن جنگ‌های جانشینی در دربار صفوی شد. این جنگ‌ها به نفع اسماعیل دوم به اتمام رسید، اما شاهزاده صفوی که حبس طولانی مدتش در دوره حکومت پدر، توان او را تحلیل برده بود، شایستگی لازم برای تکیه دادن بر تخت سلطنت اجدادی را نداشت. او اندکی بعد در سال ۹۸۵ قمری (۱۵۷۷م) درگذشت. جانشین او سلطان محمد خدابنده فرزند تقریباً نابینای شاه تهماسب هم کفایتی برای ملک‌داری نداشت. این موضوع سررشته امور را به دست همسر شاه سپرد. بزرگان قبایل قزلباش با این مسأله نمی‌توانستند و نمی‌خواستند کنار بیایند. در چنین شرایطی حکومت عثمانی که مراقب اوضاع بود، با بی‌توجهی به صلح‌نامه آماسیه یورش به نواحی غربی ایران را در دستور کار خود قرار داد. مصطفی‌پاشا در رأس لشگری تهاجم خود را از مسیر گرجستان به سمت شروان آغاز کرد. او تا شروان رسید، سپس فرماندهی نیروهای عثمانی را به عثمان پاشا واگذار کرد و خود به باب عالی بازگشت.^{۲۶}

در ایران آشفتگی‌های داخلی که با یورش خارجی عثمانیان هم‌زمان شده بود، بیش از پیش موجب نابسامانی اوضاع شد. لشکر ایران در مواجهه با سپاه عثمانی خاطره تلخ شکست چالدران را داشت. تهماسب اول نیز داهپانه تن به نبرد با عثمانیان نداد و با سیاست زمین‌سوخته آنان را ناگزیر به عقب‌نشینی کرد. در دوره خدابنده ماهیت متفاوت حمله عثمانیان که برای اشغال بخشی از ایران صورت گرفته بود ارتش ایران را ناچار به مقابله با آنها کرد. ارتش عثمانی که در شرایط عادی هم نسبت به ارتش قبیله‌ای ایران کارآمدتر بود با سپاه جنگجوی خانات کریمه تقویت شد. حضور خانات تاتار در جبهه عثمانی در بسیاری اوقات صحنه نبرد را به نفع آنان تغییر داد.

خانات کریمه برای اولین بار در سال ۹۸۶ قمری (۱۵۷۸م) و هم‌زمان با لشکرکشی مصطفی پاشا، به فرمان سلطان مراد سوم عثمانی برای یاری رساندن به او از راه دشت قیچاق (خزر)^{۲۷} راهی منطقه قفقاز جنوبی شدند.^{۲۸} آنان پس از عبور از دربند، به لشکریان عثمانی که به شروان رسیده

۲۶. شرح اقدامات عثمان پاشا به خوبی در اثر زیر آمده است؛ ابوبکر بن عبدالله، ص ۶۰ به بعد.

۲۷. اسکندر بیگ منشی از دشت خزر نام برده است؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، ص ۲۳۲.

۲۸. نام این قسمت در متون تاریخی فارسی هیچگاه به صورت قفقاز به کار گرفته نشده است، بلکه هر یک از مناطق آن با نام‌های اران (قرباغ)، شروان، گرجستان، چخورسعد (ایروان) و... شناخته می‌شدند. این نام که گویا ریشه فارسی هم دارد از قرن سیزدهم قمری (نوزدهم میلادی) پس از تصرف منطقه به دست روس‌ها در اسناد و مکاتبات عمومیت یافت.

بودند، ملحق شدند.^{۲۹} اسکندریبگ انگیزه خان کریمه را برای قبول این درخواست، در کنار دوستی بین خان و سلطان عثمانی «هوس نهب و یغمای اموال آن دیار (شروان) که شهره روزگار بود» دانسته است.^{۳۰}

داعیه‌های مذهبی انگیزه خانات کریمه برای حضور در قفقاز را بیشتر می‌کرد. سلطان عثمانی در فرمانی خطاب به محمدگرای خان دوم (۹۹۲ - ۹۸۵ ق/۱۵۸۴ - ۱۵۷۷ م) از او خواسته است تا برای «دفع روافض» (شیعیان) و «تمهید قوانین دین» برای ضبط شروان اقدام کند.^{۳۱} سلطان به او گوشزد کرد تا این «امر شروع شده را ناتمام نگذارند و بر مقتضای انما الامور بخواتیمها^{۳۲} انجام کار را بر طبق دلخواه به هزیمت اعدا منتهی سازند... معلوم است اگر در این زمستان تلاش و زحمت تحمل نشود و حفظ و نگهداشت صورت نگیرد، عمل تصرف کشور جدیدالتصرف شروان مختومه تلقی نخواهد شد.»^{۳۳}

محمدگرای خان در اجرای فرمان سلطان عثمانی، برادر خود عادل‌گرای خان را در رأس سپاهی که شمار آن را بیست^{۳۴} - بیست و پنج^{۳۵} و تا چهل هزار نفر نوشته‌اند،^{۳۵} راهی قفقاز کرد. به همراه عادل‌گرای، برادر دیگرش اسلام‌گرای هم حضور داشت. آنان در روز چهارشنبه یازدهم رمضان ۹۸۶ قمری به قسمتی از لشکر ایران حمله برده و ارس‌خان روملو را به قتل رساندند.^{۳۶} لشکر اصلی ایران به فرماندهی میرزا سلمان جابری وزیر با آگاهی از قتل ارس‌خان، دفع لشکر کریمه را در اولویت قرار داد. آنان محاصره قلعه شماخی که عثمان پاشا در آن محصور بود را به همین منظور رها کردند.

۲۹. عثمانیان از نفوذی که در میان قبایل ساکن داغستان به ویژه لزگی‌ها داشتند استفاده کرده و طی توافقنامه‌ای از آنها تعهد گرفته بودند که در هنگام عبور خانات کریمه از قلمرو آنها مزاحمتی برایشان پیش نیاید؛ جمال گوگجه، قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی، ترجمه وهاب ولی (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۳۶ - ۳۵.

۳۰. همان، ص ۲۳۲

۳۱. انگیزه‌های مذهبی خانات کریمه به تأسی از عثمانیان مواردی همچون اخذ انتقام اهانت به اسلام، سب شیخین، اهانت به ام‌المومنین (عایشه) و... بود؛ نک: عبدالحسین نوایی، شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی، ج ۳ (تهران: زرین، ۱۳۶۷)، ص ۳۴-۳۳. «رهایی کشور عجم و اهل سنت و جماعت از آن دست رافضیان» و تابناک کردن «سنت سنیه نبوی را کما فی‌السابق» و... از دیگر اهدافی بود که به اصطلاح تاتارهای کریمه می‌خواستند در ایران به عمل آورند؛ همان، ج ۱، ص ۸۵ - ۸۴.

۳۲. همان، ج ۱، ص ۸۴

۳۳. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۳۶.

۳۴. قاضی احمد قمی، ص ۶۸۲.

۳۵. ابوبکر بن عبدالله، ص ۷۱، ۷۴.

۳۶. قاضی احمد قمی، ص ۶۸۳.

با آن که در نبرد بین سپاه اصلی ایران و خانان، تاتارهای کریمه شکست خوردند و فرمانده آنان به اسارت درآمد، اما این امکان به عثمان پاشا و برهان میرزا داده شد تا جان سالم به در برده و به سمت دربند عقب‌نشینی کنند.^{۳۷} حضور لشکر مهاجم عثمانی مصیبت‌های بسیاری برای مردم محل در پی داشت. قاضی احمد قمی از عملکرد سپاه عثمانی با مردم محل پرده برداشته و گفته است: «از صحیح‌القولی استماع افتاد که عبور لشکر ظفر اثر بر موضعی افتاد که اطفال غازیان روملو به مثابه خربزه‌زار در آن صحرا پهن شده بودند و همچنان غازیان از میان آنها گذشته، اسبان بر سر و شکم اطفال پا نهادند و جمعی دیگر به اسیری رفتند و بسیاری به قحط گرفتار گشته، هلاک شدند.»^{۳۸} به جز این، رفتارهای عثمان پاشا و خانان کریمه با مردم محل، از کشتن اسرا و با سرهای آنها کله‌منار ساختن،^{۳۹} کشتن قزلباشان به امید تصاحب لباس‌های قیمتی آنان^{۴۰} و رفتارهای نامناسب دیگر، تظلم‌خواهی مردم شماخی از تعدیات تاتارها و به ناگزیر اعزام آنها به سمت محمودآباد^{۴۱} و سالیان توسط عثمان پاشا^{۴۲} و... همه حکایت از نوع تعامل لشکر مهاجم با مردم محل دارد.

ج) دستگیری و سرنوشت فرمانده سپاه کریمه

عادل‌گرای خان در نبرد با سپاه اصلی ایران به فرماندهی میرزا سلیمان جابری وزیر در ۲۸ رمضان ۹۸۶ قمری (۸ دسامبر ۱۵۷۸ م) در محلی موسوم به 'ملا حسن' در نزدیک شماخی،^{۴۳} شکست خورد و به اسارت درآمد.^{۴۴}

عادل‌گرای خان به همراه حمزه میرزا - ولیعهد - و مهدعلیا - همسر شاه - به قزوین منتقل شد و می‌توانست برگ برنده‌ای در مناسبات بین ایران و عثمانی و خانان کریمه قرار گیرد؛^{۴۵} اما سرنوشت

۳۷. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ص ۲۳۸ - ۲۳۷؛ قاضی احمد قمی، ص ۶۸۴ - ۶۸۳.

۳۸. همان، ص ۶۸۵.

۳۹. ابوبکر بن عبدالله، ص ۷۰.

۴۰. همان، ص ۶۹.

۴۱. شهری در نزدیک دریای خزر که توسط محمودخان غازان سلطان ایلخانی ایران ساخته شده بود.

۴۲. همان، ص ۷۰.

۴۳. قاضی احمد قمی، ص ۶۸۴؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۳۷.

۴۴. ابوبکر بن عبدالله، ص ۷۵-۷۴.

۴۵. قاضی احمد در هنگام گزارش شکنجاً تحقیرآمیز یکی از مخالفان حکومت به دستور مهدعلیا در خیابان‌های قزوین اشاره به حضور عادل‌گرای خان در میان تماشاچیان کرده است؛ قاضی احمد قمی، ص ۶۹۲ در مذاکرات صلحی که بین ایران و عثمانی در دوره خدابنده واقع شد، یکی از شروط عثمانیان صحیح و سالم برگرداندن برادران اسیر شده خان کریمه از سوی ایران بود؛ نوایی، ج ۱، ص ۱۱۰.

او نشان از بی‌درایتی امرای قزلباش و آشفتگی شدید اوضاع دربار ایران داشت. در قزوین مهد علیا و حمزه میرزا با انگیزه‌های سیاسی (جلب محبت تاتارها به منظور دور کردن آنان از عثمانیان و محافظت قلمرو ایران از دستبرد آنان) رفتار دوستانه‌ای با عادل‌گرای در پیش گرفته و در یکی از منازل متصل به دیوان‌خانه، مکانی را برای او در نظر گرفته بودند.^{۴۶} این کار تا آن جا مؤثر واقع شد که عادل‌گرای خان با نگاشتن نامه‌ای به برادرش با اشاره به خوش‌رفتاری ایرانیان با خود، از او خواست تا در لشکرکشی به ایران تأمل بیشتری نماید.^{۴۷} شاه نیز نامه‌ای به خان کریمه نوشت و این نامه‌ها توسط ده تن از ملازمان عادل‌گرای خان به علاوه یک قورچی از طرف شاه به کریمه ارسال شدند.^{۴۸} هنوز پاسخ نامه‌ها نرسیده بود که امرای قزلباش به خاطر اختلافی که با مهدعلیا داشتند، در یک نبرد داخلی در دربار، عادل‌گرای خان و همراهانش را یک روز پیش از به قتل رساندن خود مهدعلیا به قتل رساندند.^{۴۹} اسکندر بیگ قتل خان کریمه را تصادفی و به خاطر مقاومت او در برابر گروهی که قصد داشتند او را از دربار خارج و در یکی از قلاع سکنی دهند قلمداد کرده است،^{۵۰} اما می‌توان گفت که وی قربانی اختلافات بین سران قزلباش و مهدعلیا شد. آتش خشم سران قزلباش از مهدعلیا دامن عادل‌گرای خان را گرفت. در واقع قتل عادل‌گرای خان که تحت حمایت مهدعلیا و دربار بود مقدمه قتل خود مهدعلیا و تسلط مجدد امرای قزلباش بر امور دربار شد. از آن پس کشته شدن عادل‌گرای خان بهانه‌ای برای تحریک بیشتر خانات از سوی عثمانی برای حملات مجدد به ایران با انگیزه‌های پیشین به علاوه خونخواهی برادر فراهم کرد.^{۵۱}

د) انتقام‌جویی خانات کریمه

با کشته شدن عادل‌گرای خان در دربار ایران، دیگر بار لشگری از تاتارهای کریمه به فرماندهی

۴۶. قاضی احمد قمی، ص ۶۹۶؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۳۸.

۴۷. همان، ج ۱، ص ۲۳۹؛ به دنبال نامه عادل‌گرای خان، محمدگرای خان مادرش را با نامه و هدایای بسیاری از راه دشت قبیچاق برای وساطت در آزادی وی روانه ایران کرد. این زن به میان قبایل 'غازی قموق' داغستان رسیده بود که خبر کشته شدن پسرش به وی رسید. او که انگیزه‌ای برای تداوم سفر نداشت و اموالش توسط اقوام مذکور به غارت رفته و خودش نیز آزارها دید، به طعنه آن مردم را 'کافر قموق' نامید که به یکی از القاب آن‌ها تبدیل شد. خودی نیز در همانجا درگذشت؛ نک: عباس‌قلی آقا قدسی، گلستان ارم، ویراستار مهدی کریمی (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲)، ص ۱۳۱.

۴۸. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ص ۲۳۹.

۴۹. قاضی احمد قمی، ج ۲، ص ۶۹۷-۶۹۶؛ این واقعه در آخرین روز جمادی‌الاول ۹۸۷ قمری رخ داد. بنابراین با توجه به دستگیریه عادل‌گرای در ۲۸ رمضان ۹۸۶، وی در کل هشت ماه و دو روز در اسارت ایرانیان بود.

۵۰. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ص ۲۳۹.

۵۱. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول (تهران: علمی، ۱۳۷۵)، ص ۸۹؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۵۳.

محمدگرای خان فرمانروای کریمه در اواخر سال ۹۸۷ قمری (۱۵۷۹م) با همراهی سه برادر دیگرش غازی گرای خان، صفی گرای خان و سعادت گرای خان روانهٔ دربند و شروان شدند.^{۵۲} آنها به عثمان پاشا که در قلعهٔ دربند به سر می برد پیوستند و به اتفاق، لشکریان محمدقلی خان خلیفه ذوالقدر را که با جای ارس خان روملو به حکومت شروان رسیده بود در کنار رود سمور درهم شکسته و شروع به قتل و غارت مردم منطقه کردند. محمدگرای خان خود اندکی بعد به کریمه بازگشت، اما برادرش غازی گرای خان را برای کمک به عثمان پاشا در منطقه گذاشت.^{۵۳} حضور آنان موجب تجدید قوای عثمان پاشا سردار عثمانی و ابوبکر میرزا که خواهان ایجاد دوبارهٔ حکومت شروانشاهان در منطقه بود، شد.^{۵۴} غلبهٔ نظامی این لشکر بر منطقه موجب شده بود که حکومت شروان به هر یک از امرای قزلباش تکلیف شود از قبول آن سر باز زند.^{۵۵} در این برهه مردم تبریز، شروان، قراباغ و دیگر نواحی منطقه با قحطی سختی دست و پنجه نرم می کردند. این موضوع از عمده ترین عوامل ناکامی سپاه ایران در غلبه بر سپاه مهاجم قلمداد شده است.^{۵۶} پس از آن با خالی شدن عرصه از سوی ایرانیان عثمان پاشا و متحدانش به نیروی اول و حکام منطقه تبدیل شدند.

در اواخر سال ۹۸۸ قمری به قول مولف خلاصهٔ التواریخ «به طریق معهود لشکر تاتار [به رهبری غازی گرای خان] از دشت قبیچاق و راه دربند به الکای شروان آمده شروع در نهب و غارت و اسر مردم آن ولایت نمودند.»^{۵۷} در جنگی که در ذیحجهٔ همان سال بین لشکر ایران (باز هم به فرماندهی میرزاسلمان وزیر) و تاتارهای کریمه در حوالی شماخی روی داد، غازی گرای خان به سرنوشت برادرش عادل گرای خان دچار شد. او بعد از حدود یک سال کر و فر در منطقه و

۵۲. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۵۳؛ قاضی احمد قمی، ص ۷۰۱.

۵۳. همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵۴. لشکر قزلباش به رهبری میرزا سلمان جابری وزیر، یک سال بعد توانست نیروهای متحد عثمان پاشا، غازی گرای خان و ابوبکر میرزا را شکست دهد. در نتیجه این جنگ غازی گرای خان نیز به اسارت درآمد و دیگر متحدانش به سمت دربند و داغستان عقب نشستند. وی مدتی در الموت محبوس بود و در اوایل دورهٔ شاه عباس از طریق عثمانی به کریمه رفت و با دستور سلطان عثمانی به حکومت آنجا رسید، اما مدتی بعد به خاطر اختلاف با سلطان به شاه عباس پناه آورد؛ آقآقدسی، ص ۱۳۴-۱۳۱؛ ملاجلال الدین منجم یزدی، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا (تهران: وحید، ۱۳۶۶)، ص ۵۵ و ۱۷۱.

۵۵. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۵۴؛ درست مشابه همین وضعیت در بدو ورود عثمانیان به شروان برای سرداران عثمانی گزارش شده است. با این تفاوت که در آن دوره مصطفی پاشا حکومت منطقه را به هر یک از سرداران تکلیف می کرد از قبول آن به خاطر ترس از قزلباش خودداری می کردند. تا این که در نهایت عثمان پاشا که نسبت به سایر امرا از مرتبهٔ پایین تری برخوردار بود، آن را قبول کرد؛ ابوبکر بن عبدالله، ص ۶۱.

۵۶. قاضی احمد قمی، ج ۲، ص ۷۰۴-۷۰۱.

۵۷. همان، ص ۷۱۴-۷۱۳.

چندین پیروزی که به دست آورده بود،^{۵۸} به اسارت درآمد و به اردوی شاه در قراباغ منتقل شد. لشگریان وی پراکنده و برخی به سمت کریمه بازگشتند. دستگیری و غلبه بر برادرخان کریمه برای شاه ایران آن قدر اهمیت داشت تا «در این باب فتحنامه‌جات نوشته و به اقضا و اکناف ممالک محروسه» بفرستد.^{۵۹} به گفته قاضی احمد قرار شد وی را به الموت اعزام و در آنجا نگهداری کنند.^{۶۰} وی تا زمستان سال ۹۹۱ قمری در قلعه الموت محبوس بود. در این زمان «رای ملک‌آرای امرای عظام بدان قرار گرفت که وی را بیرون آورده تربیت و رعایت فرمایند تا لشگر تاتار جانب قزلباش را داشته من بعد اطاعت رومیه ننماید.»^{۶۱} با این استدلال بود که وی از زندان آزاد شد. منجم یزدی گفته است که وی مدت شش ماه در دربار مورد احترام بود؛ اما چون دربار دریافت که وی در این مدت اخبار مجلس قزلباش را به عثمانیان اطلاع می‌داده است، رفتار خود با او را تغییر داد.^{۶۲}

هـ) تغییر جبهه از شروان به تبریز

در سال ۹۹۲ قمری (۱۵۸۴م) عثمان پاشا به باب عالی فراخوانده و به جای او جعفر پاشا برای محافظت شروان منصوب شد. عثمان پاشا از مسیر دشت قیچاق و شبه‌جزیره کریمه راهی باب عالی شد. در کفه (از شهرهای مهم و تجاری کریمه) نیروهای وی توسط محمدگرای خان که علیه سلطان عثمانی شوریده بود، محاصره شدند و نبرد ۳۷ روز بین آنان تداوم داشت. سلطان عثمانی بلافاصله برادر وی به نام اسلام‌گرای خان را که در باب عالی به سر می‌برد، با حکم حکومت کریمه و لشکر بسیار به کمک عثمان پاشا فرستاد و آنان توانستند برخان کریمه پیروز شوند.^{۶۳} پس از آن عثمان پاشا به استانبول وارد شده و در میان استقبال رسمی و شادی مردم به نزد سلطان بار یافت. او بعد از ۶ سال دوری از پایتخت با دست پر به نزد اربابش بازگشته بود. در میان هدایای بسیاری

۵۸. اسکندر بیگ منشی ترکمان، ج ۱، ص ۲۶۲.

۵۹. قاضی احمد قمی، ص ۷۱۴.

۶۰. همانجا؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، ص ۲۷۱.

۶۱. همان، ص ۷۵۶.

۶۲. منجم یزدی، ص ۵۵.

۶۳. اسلام‌گرای خان اندکی بعد با حمله مجدد فرزندان محمدگرای مواجه شد. او توان مقاومت را نیافت و به قلعه دربند پناه برد. کمی بعد عثمان پاشا صدراعظم توانست آنان را در کفه سرکوب و مجدداً اسلام‌گرای خان را به حکومت برساند. اسلام‌گرای در ۹۹۶ قمری (۱۵۸۸م) درگذشت و غازی‌گرای خان که در شروان هم جنگیده و مدتی را در ایران اسیر و محبوس بود به حکومت رسید. حکومت او تا ۱۰۱۶ - ۱۶۰۷ میلادی تداوم یافت؛ سلانیک، ص ۳۲۰ - ۳۱۹.

که وی با خود آورده بود، هفده کلید طلای شهر و قلعه‌های قفقاز نیز وجود داشت که بر روی آنها نام آن نقاط نیز حک شده بود. در نتیجه این اقدامات بود که وی به صدراعظمی دربار عثمانی انتخاب شد.^{۶۴}

عثمان پاشا پس از انتصاب به عنوان صدراعظم در رأس سپاهی راهی ایران شد. غازی‌گرای خان پس از فرار از دربار ایران به اردوی عثمانیان به فرماندهی عثمان پاشا پیوست. در مدت حضور در خاک عثمانی مکاتبات وی با امرای ایرانی که بیشتر نوعی تفاخر و تحقیر همدیگر بود ادامه داشت.^{۶۵} مدتی بعد وی پا را از این فراتر نهاده و در حالی که در اردوی عثمانی به سر می‌برد رسولی به اردوی شاه ایران فرستاد با این هدف که واسطه انعقاد پیمان صلح بین ایران و عثمانی به واسطه عثمان پاشا گردد. او برای کم‌اهمیت جلوه دادن نقاطی که عثمانیان از ایران اشغال کرده بودند، اشاره کرده بود که چون دو سه شهر مورد نزاع که به خاطر عبور لشکریان روی به انهدام آورده، قابل استفاده نیست و مردم آنها متفرق شده و آبادانی آنها از محالات است آنها را به سلطان عثمانی واگذار کنند که البته با موافقت ایرانیان مواجه نشد.^{۶۶} غازی‌گرای خان به عنوان یکی از سرکردگان لشکر عثمانی راهی تسخیر تبریز شد و در رأس گروهی از تفنگچیان نقش مهمی در تصرف شهر تبریز در رمضان سال ۹۹۴ قمری داشت.^{۶۷}

در سال‌های بعد خانان کریمه بر اثر اختلافاتی که با دربار عثمانی پیدا کردند، به دنبال متحدانی برای مبارزه علیه آنان می‌گشتند. یاری خواستن از تزارهای روس و ارتباطاتی که بعداً با شاه‌عباس صفوی برقرار نمودند^{۶۸} و حتی به پناهندگی غازی‌گرای خان تاتار به ایران انجامید،^{۶۹} در این راستا بود. شاه‌عباس حتی تلاش داشت تا با ارسال غازی‌گرای خان در رأس لشکری به کریمه با اقدامات عثمانیان مقابله به مثل کند.^{۷۰} در اواخر دوره شاه‌عباس دوباره رد پای خانان کریمه در همکاری و تهییج عثمانیان برای حمله به ایران مشاهده می‌شود.^{۷۱}

۶۴. سلانیک، ص ۲۶۱ - ۲۵۷.

۶۵. قاضی احمد قمی، ص ۷۸۰.

۶۶. همان، ص ۷۸۱.

۶۷. همان، ص ۷۸۳.

۶۸. سلانیک، ص ۳۰۸ - ۳۰۶؛ آفاق‌دسی، ص ۱۴۷.

۶۹. چارشلی، ج ۳، ص ۱۹۹؛ اسکندر بیگ منشی ترکمان، ص ۷۳۶، ۷۶۴؛ ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید

ارباب شیرانی (تهران: نیلوفر، ۱۳۸۹)، ص ۲۷۲.

۷۰. تاورنیه، ص ۳۲۷.

۷۱. نوایی، ج ۳، ص ۱۲۵.

نتیجه‌گیری

خانات کریمه مجری سیاست‌ها و تأمین‌کنندهٔ منافع امپراتوری عثمانی بودند. با برآمدن ایران شیعی در کنار مرزهای شرقی عثمانی که داعیهٔ خلافت جهان اسلام را داشت، بروز اختلافات ناگزیر بود. این اختلافات که از دورهٔ اسماعیل آغاز و در دورهٔ تهماسب تداوم داشت به ظاهر با انعقاد پیمان صلح آماسیه پایان یافت، اما آشفتگی اوضاع سیاسی پس از مرگ شاه تهماسب زمینه‌هایی را فراهم کرد تا عثمانیان با شکستن مفاد صلح‌نامه به قلمرو ایران یورش آورند. این بار آنها همچون گذشته در صدد ساقط کردن صفویه نبودند، بلکه به بهانهٔ حمایت و دفاع از هم‌کیشان سنی‌مذهب خود اقدام به تسخیر بخشی از قلمرو ایران - شروان - کردند که چون دیگر حواشی کشور هنوز ایرانیان اهل سنت در آن به‌سرمی‌بردند. موقعیت راهبردی منطقه، وجود بقایای شروانشاهان، نزدیکی نسبی به مرزهای عثمانی، اقلیم حاصلخیز طبیعی و هم‌مرزی با داغستانی‌های اهل سنت از دیگر عوامل انتخاب این محل و نه دیگر نقاط سنی‌نشین ایران از سوی عثمانیان بود. یورش به این مکان، امکان استفاده از نیروی جنگاور خانات کریمه که تابع عثمانی بودند را هم میسر می‌کرد. در چنین شرایطی پای خانات کریمه به مناسبات بین ایران و عثمانی باز شد. لشگریان کریمه در چند نوبت ضمن حضور در جبههٔ عثمانی‌ها سرنوشت جنگ را به نفع آنان تغییر دادند. نتیجهٔ این کار جدایی مقطعی قفقاز از ایران و اشغال بیست‌سالهٔ آن توسط عثمانی‌ها بود. شرکت در این عملیات‌ها برای خود خانات کریمه هیچ دستاورد کوتاه یا بلند مدتی نداشت. شاید سربازان کریمه جیب‌های خود را با غنایم مردم قفقاز انباشته کرده باشند، اما رهبران آنها نصیبی جز اسارت، حبس، کشته شدن و در نهایت ناسپاسی از جانب عثمانیان نبردند.

رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابنامه

- آق‌اقدسی، عباس‌قلی. *گلستان ارم*. ویرایش مهدی کریمی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
- ابوبکر بن عبدالله. *تاریخ عثمان پاشا*. به کوشش یونس زیرک. ترجمه نصرالله صالحی. تهران: طهوری، ۱۳۸۷.
- اسکندر بیگ منشی ترکمان. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله. *نقاوه‌الآثار فی الذکر الاخیار در تاریخ صفویه*. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- اوزون چارشی‌لی، اسماعیل حقی. *تاریخ عثمانی*. ترجمه ایرج نوبخت. تهران: کیهان، ۱۳۶۹.
- بریان‌شانینوف، ن. *تاریخ روسیه از آغاز تا انقلاب اکتبر*. ترجمه خانابای بیانی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

- تاورنیه، ژان باتیست. *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر، ۱۳۸۹.
- جمال‌زاده، محمدعلی. *تاریخ روابط روس و ایران*. تهران: سخن، ۱۳۸۳.
- دلاواله، پیتر. *سفرنامه پیتر و دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- دو سن پیر، میشل. *سرگذشت خاندان رمانف (تاریخ روسیه از سال ۱۵۴۷ میلادی تا انقلاب و سقوط تزارها)*. ج ۱ (صعود). ترجمه محمدعلی معیری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- رئیس‌نیا، رحیم. *تاریخ عمومی منطقه شروان در عهد شروانشاهیان*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- سلانیک، مصطفی افندی. *تاریخ سلانیک (۱۰۰۸ - ۹۷۱ ه.ق)*. ترجمه از ترکی عثمانی حسین بن علی. تصحیح و ترجمه نصرالله صالحی. تهران: طهوری، ۱۳۸۹.
- فلسفی، نصرالله. *زندگانی شاه عباس اول*. تهران: علمی، ۱۳۷۵.
- قاضی احمد قمی. *خلاصه التواریخ*. تصحیح احسان اشراقی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- گروسه، رنه. *امپراتوری صحرانوردان*. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- گوگجه، جمال. *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی*. ترجمه وهاب ولی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
- لکه‌پارت، لارنس. *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*. ترجمه مصطفی قلی عماد. تهران: مروارید، ۱۳۶۸.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین. *تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال*. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید، ۱۳۶۶.
- نوابی، عبدالحسین. *شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*. تهران: زرین، ۱۳۶۷.
- Baddeley, John F. *The Russian Conquest of the Caucasus*. London: Longman, 1908.
- Broxup, Marie Benningsen (ed.). *North Caucasus barrier: the Russian advance towards the Muslim world*. London: C. Hurst & Company, 1992.
- Kortepeter, C. M. "Gazi Giray II, Khan of the Crimea and Ottoman Policy in Eastern Europe and the Caucasus (1588 - 94)", *The Slavonic and East European Review*. Vol. 44.No102. Jan1966.
- langer, Lawrence. N. *Historical Dictionary of Medieval Russia*. Maryland: Scarecrow, 2002.